

پیشینه‌ی علوم اجتماعی در یونان و جهان اسلام

علوم اجتماعی پیش از قرن نوزدهم:

اندیشمندانی چون ارسطو، علوم را در یک طبقه‌بندی کلان، براساس موضوع آن‌ها به دو دسته‌ی علوم نظری و علوم عملی تقسیم می‌کردند. **نکته:** در قدیم فلسفه را در معنای علم به کار می‌بردند و علم نظری و علم عملی را فلسفه‌ی نظری و عملی می‌گفتند.

تعریف فلسفه یا علم نظری:

به هر علم و دانشی گفته می‌شود که موضوع آن‌ها مستقل از اراده و آگاهی انسان است.

تعریف فلسفه یا علم عملی:

به دانشی گفته می‌شود که موضوع آن با اراده و آگاهی انسان پدید می‌آید و معادل علوم انسانی است.

علوم نظری به بخش‌های زیر تقسیم می‌شود:

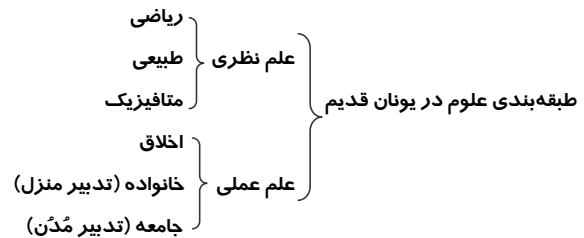
- ۱- علمی که به قوانین عام هستی می‌پردازد و آن را متافیزیک می‌نامند.
- ۲- علمی که موضوع آن اندازه و مقدار است شامل دانش‌های ریاضی
- ۳- دانشی که موضوع آن موجودات مادی و طبیعی است و علم طبیعی نام دارد.

علوم عملی (علوم انسانی) به سه بخش تقسیم می‌شوند:

- ۱- علم اخلاق
 - ۲- علم خانواده و تدبیر منزل
 - ۳- علم جامعه (سیاست) و تدبیر مَدَن
- نکته:** جامعه‌شناسی انتقادی هنگامی که با فراتر رفتن از محدوده‌ی علم تجربی و ابزاری به دنبال سطوح دیگری از علم که توان داورى ارزشی و هنجاری داشته باشد، می‌گردد با مشکل مواجه می‌شود. زیرا از نشان دادن معیار و میزانی که فراتر از محصولات اجتماعی، تاریخی انسان بوده و برای همگان معتبر باشد باز می‌ماند. اما متفکرانی که عقل را هم چون حس و تجربه به عنوان یک ابزار مستقل معرفتی به رسمیت می‌شناسند برای داورى ارزشی و هنجاری مشکل ندارند.

انواع عقل:

- ۱- **عقل نظری:** به شناخت هستی‌ها می‌پردازد و با کمک حس و با روش تجربی، هستی‌های طبیعی را می‌شناسد هم‌چنین با روش تجربی، احکام ریاضی و متافیزیکی را درمی‌یابد.
 - ۲- **عقل عملی:** باید‌ها و نباید‌ها و احکام ارزشی را می‌شناسد.
- نکته:** فارابی علم اجتماعی را علم تدبیر مَدَن می‌نامد زیرا علم اجتماعی هنگامی که با استفاده از عقل و وحی توان داورى دربارهی ارزش‌های اجتماعی را پیدا کند، با حفظ هویت علمی خود وظیفه‌ی تدبیر اجتماعی را نیز برعهده می‌گیرد.



اعتبارات:

علامه طباطبایی، پدیده‌هایی را که با قرار دادن اعتبار عقل عملی ایجاد می‌شوند را اعتباریات می‌نامد؛ مانند خانواده، جامعه و ...

ویژگی‌های اعتباریات:

- ۱- به خواست و اراده‌ی انسان‌ها به وجود می‌آیند.
- ۲- دارای آثار و پیامدهای غیرارادی و تکوینی هستند.

۱- اساس طبقه‌بندی ارسطو از علوم چیست؟

اندیشمندانی چون ارسطو، علوم را در یک طبقه‌بندی کلان، براساس موضوع آن‌ها به دو دسته‌ی علوم نظری و علوم عملی تقسیم می‌کردند.

۲- منظور از فلسفه‌ی نظری و عملی چیست؟

در قدیم فلسفه را در معنای علم به کار می‌بردند و علم نظری و علم عملی را فلسفه‌ی نظری و عملی می‌گفتند.

۳- علم نظری را تعریف کنید.

به هر علم و دانشی گفته می‌شود که موضوع آن‌ها مستقل از اراده و آگاهی انسان است.

۴- علم عملی را تعریف کنید.

به دانشی گفته می‌شود که موضوع آن با اراده و آگاهی انسان پدید می‌آید و معادل علوم انسانی است.

۵- کدام یک از علوم (علم عملی یا علم نظری) معادل علوم انسانی است؟ چرا؟

فلسفه یا علم عملی به دانشی گفته می‌شود که موضوع آن با اراده و آگاهی انسان پدید می‌آید و معادل علوم انسانی است.

۶- شاخه‌های علوم نظری را نام ببرید.

علوم نظری به بخش‌های زیر تقسیم می‌شود:

۱- علمی که به قوانین عام هستی می‌پردازد و آن را متافیزیک می‌نامند.

۲- علمی که موضوع آن اندازه و مقدار است شامل دانش‌های ریاضی.

۳- دانشی که موضوع آن موجودات مادی و طبیعی است و علم طبیعی نام دارد.

۷- شاخه‌های علوم عملی را نام ببرید.

علوم عملی (علوم انسانی) به سه بخش تقسیم می‌شوند:

۱- علم اخلاق ۲- علم خانواده و تدبیر منزل ۳- علم جامعه (سیاست) و تدبیر مذهب

۸- منظور از تدبیر منزل و تدبیر مدن چیست؟

علم خانواده و تدبیر منزل

علم جامعه (سیاست) و تدبیر مذهب

۹- کدام یک از متفکرین برای داوری ارزشی و هنجاری مشکلی ندارند؟

متفکرانی که عقل را هم‌چون حس و تجربه به عنوان یک ابزار مستقل معرفتی به رسمیت می‌شناسند برای داوری ارزشی و

هنجاری مشکل ندارند.

۱۰- چرا جامعه‌شناسان انتقادی هنگام داوری ارزشی با مشکل مواجه شوند؟

جامعه‌شناسی انتقادی هنگامی که با فراتر رفتن از محدوده‌ی علم تجربی و ابزاری به دنبال سطوح دیگری از علم که توان

داوری ارزشی و هنجاری داشته باشد، می‌گردد با مشکل مواجه می‌شود. زیرا از نشان دادن معیار و میزانی که فراتر از

محصولات اجتماعی، تاریخی انسان بوده و برای همگان معتبر باشد باز می‌ماند.

جهان اجتماعی و جهان طبیعی:

مقایسه‌ی جهان اجتماعی و موجودات زنده:

جهان اجتماعی همان نظام اجتماعی است و مانند بدن یک موجود زنده دارای اعضای مختلف است و این اعضا در ارتباط با هم از نوعی نظم برخوردارند.

تفاوت جهان اجتماعی با موجودات زنده این است که نظم و چینش عناصر و اعضای جهان اجتماعی، طبیعی و تکوینی نیست، بلکه با اراده و آگاهی انسان تعریف می‌شود و با قرارداد و اعتبار انسان‌ها به وجود می‌آید.

نکته: جهان اجتماعی بیش‌تر شبیه یک بازی گروهی است که در آن اعضای مختلف هر کدام باید کاری انجام دهند و کارهای هر عضو تعریف شده است.

به علاوه آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد یک آگاهی فردی و خصوصی نیست بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است.

نکته مهم: همان‌گونه که در یک بازی جمعی بازیکنان نمی‌توانند نسبت به قواعد بازی یا عضویت دیگران بی‌اطلاع باشند؛ یا قواعد و عضویت آن را نپذیرند، در کنش‌های اجتماعی نیز کنش‌گران نمی‌توانند نسبت به حضور دیگران و جایگاه آنان بی‌توجه باشند.

تعریف فرهنگ:

به مجموعه‌ی شناخت مشترکی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، «فرهنگ» گفته می‌شود.

شیوه‌ی انتقال فرهنگ:

فرهنگ از طریق آموزش و تعلیم و تربیت، انتقال پیدا می‌کند نه از طریق صفات ارثی.

نکته: هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون می‌شود.

جامعه از طریق انتقال فرهنگ خود طی نسل‌های متوالی به بازتولید خویش می‌پردازد.

۱- ویژگی‌های جهان اجتماعی را با موجودات زنده مقایسه کنید.

جهان اجتماعی همان نظام اجتماعی است و مانند بدن یک موجود زنده دارای اعضای مختلف است و این اعضا در ارتباط با هم

از نوعی نظم برخوردارند.

تفاوت جهان اجتماعی با موجودات زنده این است که نظم و چینش عناصر و اعضای جهان اجتماعی، طبیعی و تکوینی نیست،

بلکه با اراده و آگاهی انسان تعریف می‌شود و با قرارداد و اعتبار انسان‌ها به وجود می‌آید.

- ۲- چرا جهان اجتماعی همان نظام اجتماعی است؟
جهان اجتماعی همان نظام اجتماعی است و مانند بدن یک موجود زنده دارای اعضای مختلف است و این اعضا در ارتباط با هم از نوعی نظم برخوردارند.
- ۳- وجه تشابه جهان اجتماعی و بازی گروهی چیست؟
جهان اجتماعی پیش تر شبیه یک بازی گروهی است که در آن اعضای مختلف هر کدام باید کاری انجام دهند و کارهای هر عضو تعریف شده است.
- ۴- جهان اجتماعی براساس چه نوع شناخت و آگاهی شکل می گیرد؟ چرا؟
آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می گیرد یک آگاهی فردی و خصوصی نیست بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است. همان گونه که در یک بازی جمعی بازیکنان نمی توانند نسبت به قواعد بازی یا عضویت دیگران بی اطلاع باشند و یا قواعد آن را بپذیرند، در کنش های اجتماعی نیز کنش گران نمی توانند نسبت به حضور دیگران و جایگاه آنان بی توجه باشند.
- ۵- اساس شکل گیری جهان اجتماعی چیست؟
به مجموعه شناخت مشترکی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می گیرد، فرهنگ گفته می شود.
- ۶- شیوهی انتقال فرهنگ چیست؟
فرهنگ از طریق آموزش و تعلیم و تربیت انتقال پیدا می کند نه از طریق صفات ارثی.
- ۷- چگونه جهان اجتماعی یک نسل فرو می ریزد؟
هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند و یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می ریزد یا دگرگون می شود.
- ۸- چگونه یک جامعه به بازتولید خویش می پردازد؟
جامعه از طریق انتقال فرهنگ خود طی نسل های متوالی به بازتولید خویش می پردازد.

